

بازخوانی سرمایه گذاری کلان سعودی ها در ورزش و فوتبال از منظر «امکانات» و «ارتباطات»

سایه تحریم اقتصادی بر فقر ارتباطی ایران با جهان

این فقط «پول» نیست که پای رونالدو، نیمار و بنزما را به عربستان باز کرده!



آیا تورم به سبک ژاپنی به چین می آید؟

۳

اشتیاق کشورهای آمریکای جنوبی به پهبادهای ایرانی

۸

چرا باید به هر معامله ای مهر محرمانه بزنیم؟!

۳

زبان قدرت؛ زبان گفتگو بالویاتان

۲

صفریک

حکمران کم ظرفیت و ریسمان اینترنت



محمد فاضلی-جامعه شناس

هر فناوری نوینی در ایران با مشکلاتی روبه رو شده است. این مشکلات وقتی بیشتر می شوند که حکمران ظرفیت درک، شناخت، بهره برداری مناسب یا فائق آمدن بر بیم های خود در بهره فرصت ها و تهدیدهای فناوری جدید را ندارد. داگلاس نورث، جان جوزف والیس و بری وینگاست در کتاب «خشونت و نظم های اجتماعی» (انتشارات روزنه، ۱۳۹۶) توضیح می دهند که رفتار حکومتی طبیعی - بخوانید حکومت غیرمردن - در مقابل فناوری، اسکیزوفرنیک است. ائتلاف مسلطی که بر ساختار قدرت و رانت های اقتصادی توزیع شده در حکومت طبیعی مسلط هستند، فناوری را دوست دارند از آن جهت که سبب افزایش بهره وری و تولید اقتصادی بیشتر می شود و سهم ائتلاف مسلط از کل ارزش خلق شده را افزایش می دهد. همین ائتلاف مسلط اما از فناوری بیم دارد از آن جهت که ورود فناوری به خلق سازمان های جدید و ترکیب متفاوتی از ارزش و رانت در اقتصاد منجر می شود. ساختار سازمانی حکومت طبیعی همواره بیم از آن دارد که سازمان هایی خلق شوند که ائتلاف مسلط نتواند از پس آن ها برآید. بنابراین، ائتلاف مسلط همواره در رابطه ای اسکیزوفرنیک با فناوری به سر می برد. از طرفی فناوری برای خلق قدرت بیشتر و انعطاف در برابر مسائلی که در سیر طبیعی جوامع پیش می آیند - نظیر افزایش جمعیت، نیاز به اشتغال بیشتر، ضرورت تولید منابع بیشتر برای موازنه در برابر قدرت های خارجی و... - ضروری است و از سویی دیگر، فناوری می تواند قدرت برهم زدن تعادل های شکل گرفته در ساختار قدرت را داشته باشد. هر قدر فناوری، پیشروتر و دارای عواقب ناشناخته تری باشد، میزان ترس افزایش می یابد و رابطه با آن اسکیزوفرنیک تر می شود.

حکمران و دستگاه تنظیم گری اش در ایران، به علاوه مجموعه ای از سازمان ها - از اقتصادی گرفته تا امنیتی - که خود را متکفل مدیریت و جوهری از اینترنت و کاربردهای آن می دانند، دقیقاً در قالب همین رابطه اسکیزوفرنیک با اینترنت قابل تحلیل هستند. آن ها نمی توانند از خیر اینترنت بگذرند زیرا علاوه بر مواجهه سنگینی که با جامعه پیدا می کنند و عواقب اجتماعی و سیاسی عظیمی که چنین رویکردی در پی دارد، به عقب ماندگی فناورانه هم نظر دارند. خاص ترین پایگاه اجتماعی و سیاسی حکمرانی هم نمی تواند دور افتادن از اینترنت در قرن بیست و یکم را تحمل کند. از سویی، احساس تهدید - حتی اگر غیر واقعی باشد - در سطوح و جوانب مختلف وجود دارد. حکمرانی با سازمان های اقتصاد دیجیتال مواجه شده که جنس شان با سازمان هایی که در اقتصاد غیر دیجیتال ایران می شناخته، یکسان نیست. دارایی فیزیکی شان زیاد نیست اما بر شبکه داده و اعتماد اجتماعی بنا شده اند. نیروی انسانی نسل جدید با سبک زندگی، خواسته ها و آرزوهای متفاوتی در آن ها کار می کنند. ارتباطات شان با بازار کار جهانی بیشتر است و فرصت های انبوه تری برای کار در بیرون از ایران برای شماری از آن ها فراهم است. حکمران، این فضا را نمی شناسد و عمیقاً تهدید انگاری می کند.

حکمران، اینترنت و بخش های مهمی از فضای اقتصاد دیجیتال - بالاخص بخش های بی توسی (B2C) - را ریسمانی می بیند که می تواند به دور گردنش پیچیده شود یا حتی ماری است که اگر هم واقعی نباشد، سیاه و سفیدش هم ترسناک است. نسل جدید و فعالان فضای اقتصاد دیجیتال، و بخش های مهمی از جامعه ایران نیز به این ریسمان، هم چون رابطی می نگرند که آن ها را به دنیایی

دیگر و امیدهایی متصل می کند. حکمرانان و کاربران و فعالان اقتصادی و اجتماعی، برداشتهای کاملاً متفاوتی از ریسمان اینترنت دارند. اصل ماجرا برمی گردد به بی اعتمادی و ناامنی ناشی از ناشناخته بودن این فضا و بی اعتمادی حکمران که سبب تهدید انگاری می شود. حکمران هم چنین مایل نیست وضعیت پیش آمده را به نا کار آمدی ها و انباشت تاریخی ناراضیاتی ربط دهد و به لحاظ روانی و سازوکارهای رفع مسئولیت سازمان های درون حکومتی، تمایل دارد همه واقعات اجتماعی - سیاسی بروز کرده را به اینترنت و رسانه نسبت دهد. جامعه بی قدرت نیز که همه ابزارهای اعلام ناراضیاتی محروم شده است، همه فشار خود را در اینترنت وارد می کند. این وضعیت، حکمران را به محدود کردن فضای مجازی وامی دارد. انگیزه های اقتصادی گروه های حاشیه ای نیز بی تأثیر نیست. کسب و کار فیلتر شکن فروشی تا داعیه ضرورت حمایت بی قید و شرط از نرم افزارهای کاربردی ایرانی، همگی در شکل دادن به فضایی مساعد برای فیلترینگ و بقیه مصائب اینترنت در این سال ها نقش داشته اند.

حکمران عملاً با محدود کردن اینترنت، گستره بی اعتمادی، ناراضیاتی و غیرعادی بودن فضای اجتماعی را تشدید و بازتولید می کند. جامعه نیز با تجربه کردن محدودیت ها، ناامیدی بیشتری را تجربه می کند. در حالی که اکثریت مردم به داشتن یک زیست عادی و بدون تنش علاقمند هستند، محدودیت های اینترنت، سیاست را دائماً وارد زندگی روزمره می کند. حکمران به این ترتیب دائماً شرایط بی اعتمادی را بازتولید کرده و خود را بیش از گذشته رودر روی جامعه قرار می دهد. نوعی چرخه قهقراپی شکل می گیرد که ترس بیشتر سبب محدودیت بیشتر، و محدودیت بیشتر سبب ناراضیاتی بیشتر، و ناراضیاتی بیشتر سبب تولید ظرفیت

اعتراضی بیشتر، و ظرفیت اعتراضی بیشتر، مسبب ترس بیشتر خواهد شد. این وضعیت مانع از بازگشت آرامش به جامعه است. ضمن آن که حکمرانی به این ترتیب، غیرعادی بودن شرایط خود را نیز دائم مخابره می کند. هم چنین مدعی خود در خصوص نمایندگی خبر جمعی از رزبر سؤال می برد و شدیداً نمایندگی منافع گروه های بسیار خاص و اقلیت ناچیزی را که منتفعان وضعیت محدود شده اینترنت هستند را به عهده می گیرد. این فرایند به بیگانگی بیشتر بخش عمده ای از جامعه - از جمله جوان ترین بخش آن - با نظام سیاسی منتهی می شود.

به گمان من، حکمرانی تا کنون ظرفیتی برای درک این موقعیت و کنش متناسب با آن برای کاستن از شکاف های بی اعتمادی و نزدیک شدن به مدعی بی طرفی و نمایندگی خیر جمعی نشان نداده است. بخشی به این دلیل است که تحلیل اجتماعی نتوانسته در سبب اولویت های سیاست گذار و حکمران، اولویتی بالاتر یا حتی مساوی رویکرد امنیتی پیدا کند. حکمران به افزودن ظرفیت هاییش برای فائق آمدن بر تهدیدها و تهدید انگاری های اینترنت نیاز دارد. ادامه وضع موجود، چرخه قهقراپی فرسایش جامعه و حکمرانی را در پی خواهد داشت. بدون خلق اعتماد، این مسیر قهقراپی ادامه می یابد. رسیدن به نقطه ای متفاوت، از درک متفاوت داشتن از وضعیت شروع می شود، درکی که اینترنت رانه مار ببینند نه ریسمان سیاه و سفید ترسناک، بلکه رابطی با دنیای جدید و نیروهای جدیدی ببینند که در حال و هوای آن پرورش یافته اند، و ضرورت یاد گرفتن و پروا نداشتن ظرفیت های کنار آمدن با این دنیای جدید را خاطر نشان سازد.

زبان قدرت؛ زبان گفتگو بالویاتان



بر روی زمین نیست که قابل مقایسه با لویاتان باشد. هابز، برقراری امنیت را نخستین اولویت لویاتان می‌داند. به عقیده وی، اساسی‌ترین رسالت لویاتان، نه پرورش فضایل فردی-اخلاقی و نه تأمین سعادت، بلکه برقراری امنیت است. بعدها، سایر اندیشمندان (مانند جان لاک و ژان ژاک روسو) برای لویاتان، حد و حدودی قائل شده و در صورت تخطی لویاتان از وظایف‌اش، برای مردم حق شورش علیه آن قائل شدند. البته، برخی اندیشمندان (مانند کارل مارکس) نیز به کلی منکر خیر و ضرورت وجود لویاتان شده و حذف کامل آن را تجویز نمودند. در مجموع، از توصیف‌های می‌توان بدین نتیجه رسید که لویاتان، دست‌ساخت بشر و زاده انباشت و انحصار کاربرد قدرت سیاسی است و هرچند ظاهری شبیه انسان دارد ولی بسیار غول‌پیکر و در نتیجه، متفاوت با انسان است و هر چند مانند اژدها، عظیم‌الجثه است ولی به دلیل نحوه پیدایش و کارکردهایش، متفاوت با حیوان است. البته، وجه اشتراکاتی با هر دو (انسان و حیوان) نیز دارد. بنابراین، به دلیل تفاوت‌های موردنظر و ماهیت لویاتان، ارتباط با لویاتان و فهم رفتار آن، نیازمند زبان متفاوتی است. به عبارت دیگر، افراد، با زبان انسانی یا حیوانی، قادر به فهم رفتار لویاتان و گفتگو با آن نمی‌باشند. زبان متفاوت موردنظر، همان «زبان قدرت» است؛ زیرا لویاتان از عنصری به نام قدرت (سیاسی) شکل گرفته و رفتارش نیز نشأت گرفته از قدرت (سیاسی) است. پیدایش لویاتان، نتیجه واگذاری حق اعمال قدرت (سیاسی) از سوی تک‌تک افراد جامعه به شخص ثالث است تا وی، مقتدرانه و عادلانه به حل و فصل تضادهای فردی و جمعی و برقراری نظم و امنیت در جامعه بپردازد. در نتیجه، افراد تنها با زبان قدرت می‌توانند با آن ارتباط برقرار نمایند. زبان قدرت، نه تنها زبان ارتباط جوامع با لویاتان است بلکه زبان ارتباط لویاتان‌ها با یکدیگر در عرصه نظام بین‌الملل است. البته، در طول تاریخ، همیشه زبان قدرت مورد استفاده قرار گرفته است ولی شناخت زبان قدرت، می‌تواند در کیفیت و هزینه برقراری ارتباط و فهم و تحلیل رفتار لویاتان، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی، بسیار مفید و موثر واقع شود. به همین منظور، در ادامه به توضیح زبان قدرت و نحوه کاربرد آن در طول تاریخ سیاسی، می‌پردازیم.

فرزاد کلانته - پژوهشگر بویش فکری توسعه

«قدرت هیچگاه چیزی را بدون مطالبه و اگذار نمی‌کند. بیشتر چنین نکرده و در آینده نیز نخواهد کرد»

فردریک داگلاس

یکی از مهم‌ترین کارکردهای زبان، ایجاد ارتباط است؛ در حقیقت، نظام‌زبان، بر اجرای همین نقش ارتباطی استوار است و بر مبنای آن پدید آمده است. در این کارکرد، پیام‌رسان و پیام‌گیر اغلب به صورت همزمان و در برابر هم وجود دارند. در هر پیام ارتباطی که گوینده برای مخاطب می‌فرستد، طبعاً باید معنایی وجود داشته باشد که شنونده آن را رمزگشایی و سپس درک می‌کند. حیوانات نیز همانند انسان‌ها، دارای زبان مشترک برای برقراری ارتباط هستند. به طور مثال، شدت تکان دادن دم سگ‌ها، حاوی یک پیام مخصوص برای سگ‌های دیگر است. بدون زبان مشترک، امکان برقراری ارتباط غیرممکن است؛ ارتباط انسان‌ها با لویاتان و ارتباط لویاتان‌ها با یکدیگر، نیز نیازمند زبان مشترک است. «زبان قدرت» زبان لویاتان‌هاست که به واسطه آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و تنها زبانی است که افراد جامعه می‌توانند با لویاتان ارتباط برقرار کرده و رفتار آن را درک و تحلیل کنند. زبان قدرت، ریشه در ماهیت و چگونگی تولد لویاتان دارد. لویاتان، مفهومی قدیمی و در کتب عهد عتیق به معنای جانوری عظیم‌الجثه است که در دین سکونت دارد و در نهایت با شمشیر «یهوه» نابود خواهد شد. ولی، توماس هابز، از مفهوم لویاتان در معنای سیاسی و در دفاع از ضرورت وجود دولت مطلقه استفاده کرده است. هرچند «لویاتان» در تورات در هیئت یک اژدهای دریایی ظاهر شده، اما لویاتان هابز در قامت یک انسان عظیم‌الجثه و هیبتی شاهانه به تصویر کشیده می‌شود. هابز، لویاتان را «انسان مصنوعی» می‌داند که در برابر «انسان طبیعی» قرار دارد و از آن عظیم‌تر و نیرومندتر بوده و توسط انسان‌ها و برای حراست از او ساخته شده است. به باور وی، هیچ چیز

چرا در بزنگاه‌ها سیم‌رغ نمی‌مانیم؟

رضا مجیدزاده - پژوهشگر بویش فکری توسعه

مشروطه نخستین توسعه‌سازی جدی ایرانی بر اساس سیم‌رغ شدگی بود اما سیم‌رغ مشروطه‌خواهی که می‌توانست ایرانیان را شهروند کند، مثله شد! چون خیلی زود افرادی نظیر شیخ فضل‌الله نوری کوشیدند تا پایه اصلی شهروندی، یعنی هویت غیرشخصی، سست شود و اصرار بر مشروطه مشروعه، سیم‌رغ را به سی‌مرغی تبدیل کرد که شکارش برای شاه قاجار، سخت نبود! اگرچه نهادهای جدیدی پا گرفتند اما مشروطه واقعی، نهادینه نشد و هنوز هم نهادینه نشده است.

امروز هم همین گرفتاری را شاهدیم و سیم‌رغ به سی‌مرغ تبدیل می‌شود؛ خواه با زور، خواه با نیرنگ، خواه با تکروری و زیاده‌خواهی و زودخواهی برای شخصی‌سازی ثمرات سیم‌رغ‌شدگی. خاطره جالبی از دوران کودکی دارم که سیم‌رغ‌نماندن را به خوبی نشان می‌دهد.

تابستان ۶۷ بود همراه با دو همبازی دیگرم، به سختی و طی مدتی طولانی پس‌انداز کردیم و پول‌هایمان را روی هم گذاشته بودیم تا بتوانیم یک توپ چهل‌تکه میکاسا بخیریم؛ دست‌آخر شد و با ۱۵۰۰ تومان خریدیم. روی ابرها بودیم چون در محله، فقط ما توپ چهل‌تکه داشتیم؛ توپ چهل‌تکه واقعی که سنگین‌تر از توپ پلاستیکی دولایه بود؛ آنقدر سنگین که یک‌بار وقتی با عصا به آن شوت زدیم عصا خم شد و شکل شمشیر به خود گرفت! ولی مهم این است که با این توپ، اعتباری دست و پا کرده بودیم و حالا بچه‌های همسن کوچک پایینی از خدایشان بود که با ما مسابقه دهند یا حتی در عوض گل کوچک که با توپ چهل‌تکه نمی‌شد، فوتبال دروازه‌بزرگ بازی کنیم. اما یکی از سرمایه‌گذارها راضی نبود و می‌گفت فقط خودمان در کوچه خودمان با توپ بازی کنیم. کشمکش شروع شد و کار به قهر کشید و در نهایت آن دوستان پیغام داد که سهمش از توپ را می‌خواهد. من و دوست دیگر خلایقیت بدیعی از خود نشان دادیم؛ توپ را با چاقو سه‌پاره کردیم و سهم آن دوست دیگر را انداختیم در حیاط خانه‌شان! عمر توپ به یکماه هم نرسید!

در واقع، هر سه ما در این سه‌پارگی سهیم بودیم و ائتلاف را نادیده گرفتیم. فرجام خودکامگی و خودخواهی و تمام‌خواهی و زودخواهی هم همین است؛ چندپارگی جمعیت و در نتیجه پاره شدن توپی که می‌توانست اعتباری باشد برای دستیابی به منابع و فرصت‌های بیشتر! هر ماجرابی را از این منظر بنگرید نیک در می‌یابید که عوامل پیش‌گفته و شکیبایی برای حفظ توپی که به سختی به دست آمده، از به دست آوردن خود توپ مهم‌ترند.

تربیون

آیا دولت‌ها عامدانه تورم ایجاد می‌کنند؟

آنچه مهم است، این است که تصور نکنیم دولت‌ها نمی‌دانند تورم چگونه ایجاد می‌شود یا اینکه تصور نکنیم که دولت‌ها عامدانه تورم ایجاد می‌کنند، بلکه بدانیم تورم بالا نتیجه نوعی تعادل بازی تخصیص منابع اقتصاد است که از جمله خود دولت‌ها از آن ناخشنود هستند؛ ضمن آنکه راه ساده‌ای برای خروج از این تعادل در اختیار ندارند. بنابراین علم اقتصاد ما به جای آنکه سالانه ده‌ها مقاله فقط درباره وضعیت کشورهای منا و رشد اقتصادی آنها بنویسد تا اسباب امتیاز جمع کردن اساتید برای ترفیع و ارتقای آنها شود، بهتر است راجع به چگونگی شکل‌گیری این بازی تخصیص منابع و چگونگی امکان طراحی قواعد بازی برای خروج از تعادل نابهینه موجود به تحقیق و بررسی بپردازد.

نیومور رحمانی | عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

اگر تداوم تورم بالا ناشی از فقدان دانش در درون دولت‌ها نبوده و اگر تورم عامدانه ایجاد نشده و در عین حال قطعاً تورم پیامد سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها بوده، چگونه تورم بالا توانسته است بیش از پنج دهه تداوم داشته باشد؟ می‌دانیم که سیاستگذاری اقتصادی توسط دولت به معنی دستکاری در تخصیص منابع اقتصاد است و هرگونه دستکاری در تخصیص منابع اقتصاد نیز منافعی نصیب گروه‌هایی می‌کند و هزینه‌هایی به گروه‌هایی وارد می‌کند. مثلاً تصمیم به پایین نگه داشتن قیمت آب و برق و گاز احتمالاً فوایدی عاید همه ما به شکل پرداخت قیمت پایین‌تر از آنچه قانون عرضه و تقاضا ایجاب می‌کند، خواهد کرد.

همکاری با زنجیره ارزش جهانی تولید و تجارت

حسین سلاح‌ورزی | رئیس اتاق ایران

دربار بگیرند. فعالان اقتصادی ایرانی برای سازگار کردن خود با این تغییرات و ایفای نقش شایسته در بازارهای جهانی امروز، بیش و پیش از هر چیزی نیازمند شبکه‌سازی برای تقسیم کار تخصصی بهینه هستند. توسعه فعالیت اقتصادی صادرات محور که امری ضروری برای نجات اقتصاد کشور است هرگز بدین معنا نیست که بنگاه‌های تولیدی با سازماندهی و آرایش روابط فعلی رأساً فعالیت‌های صادراتی خود را توسعه دهند؛ بلکه بدین معناست که فعالان اقتصادی با شبکه‌سازی موثر، تولید مقیاس‌پذیر با مدیریت مناسب دانش فنی، توسعه محصول هوشمند با شناخت دقیق از نیاز و ذائقه بازار هدف و در نهایت بازاریابی کارآمد با سرمایه‌گذاری بر کانال‌های فروش در بازار مقصد را نه در قالب یک بنگاه بلکه در چارچوب شبکه‌ای از بنگاه‌ها محقق کنند. ادبیای اقتصاد

در تجارت فرامرزی امروز، محدود کردن منبع تأمین محصول به کشور مبدا صادرات یک اشتباه استراتژیک است. فعالان بازرگانی فرامرزی در جهان امروز دیگر نمی‌توانند نسبت به آن دسته از جزئیات سازماندهی صنعتی که بر بهای تمام‌شده و کیفیت محصول صادراتی تأثیر دارد، بی‌تفاوت بمانند. درک ماهیت تولید محصول صادراتی و تأثیر سازماندهی صنعتی بنگاه‌های دخیل در تولید کمک می‌کند تا فعالان بازرگانی بتوانند صادرات را در مفهومی وسیع‌تر از ارائه خدمات بازاریابی و لجستیک و مالی برای تجارت یک محصول معین؛ به عنوان هماهنگ‌سازی و تجمیع فعالیت مجموعه‌ای از بنگاه‌ها در یک زنجیره جهانی برای رسیدن به ترکیب رقابت‌پذیری از قیمت و کیفیت



دبیر الله خدائیان چگنی
رئیس سازمان بازرسی کل کشور

قانون مبارزه با پولشویی

قانون مبارزه با پولشویی در سال ۸۶ تصویب شد اما به دلیل ایراداتی وارده، در سال ۹۷ اصلاح شد که بنده در آن زمان معاون قوه قضائیه بودم و نقشی در بازنگری این قانون داشتم. اولین ایراد قانون این بود که تنها یک چهارم از عواید حاصل از پولشویی مشمول جریمه می‌شد و طبیعتاً کسی که مبالغ زیادی عایدش شده، جریمه یک چهارم از آن، عدد بزرگی نبود. اما در قانون اصلاحیه این ایراد برطرف شد و اگر میزان جرم تا یک میلیارد تومان باشد جریمه حبس و جریمه نقدی و اگر بیشتر از این مبلغ باشد جرم درجه چهار محسوب می‌شود و علاوه بر حبس معادل مال مکشوفه، تمام اموال عواید از آن جرم ضبط می‌شود. در قانون اصلاحیه علاوه بر دولت، قوه قضائیه هم در این شورا نمایندگی دارد که نتیجه این بود که سیاست گذاری آن هم تغییر کرد و مصوبات این شورا بعد از تصویب هیأت وزیران، برای تمام دستگاه‌ها لازم الاجرا است.

اختیارات ویژه

اختیارات ویژه به مرکز اطلاعات مالی داده شده و همه دستگاه‌ها باید معاملات مشکوک را به مرکز گزارش بدهند و اگر دستگاه‌ها با مرکز همکاری نکنند مشمول مجازات تعیین شده، می‌شوند و حتی اگر این افراد رییس بانک مرکزی و صرافان و یا هر دستگاه دیگری باشد، انفصال از خدمت برای مسئولان آن دستگاه‌ها پیش‌بینی شده و وزارت اطلاعات به عنوان ضابط خاص ورود می‌کند.

اثبات شروع بودن معاملات

نکته مهم در این قانون بحث اثبات جرم بوده، پیش از این هر کسی مالی داشت اصل بر صحت آن بوده و اگر هزاران میلیارد تومان هم وارد گردش مالی و چرخه اقتصاد می‌کرد، کسی به این فرد ایرادی نمی‌گرفت. مگر اینکه دادستانی اشکالی وارد کند که این کار هم بسیار سخت

بود چرا که پولشویان افراد با یقه سفید و متخصص هستند و اثبات پولشویی بسیار سخت است. از این رو، در قانون جدید بار اثبات مشروع بودن آن معاملات مشکوک بر عهده شخص مضمون قرار دارد. اصلاح قانون زیر ساخت قانونی برای مقابله با پولشویی را فراهم کردیم. اگر این ظن حاصل شود که این مال نامشروع است، در حکم مال نامشروع محسوب می‌شود و دیگر دادستان نیازی به اثبات ندارد بنابراین مبارزه با این جرم آسان‌تر خواهد شد. در حال حاضر، زیرساخت قانونی لازم برخوردار هستیم و مسئولان نمی‌توانند مدعی شوند که از جهت مقابله با این جرم مشکل قانونی داریم.

فرهنگ مبارزه با پولشویی

برای داشتن کشور عاری از پولشویی به ایجاد فرهنگ برای مبارزه با پولشویی نیاز داریم. برای فرهنگ سازی مقابله با پولشویی به عزم همگانی نیاز داریم و باید تمام دستگاه‌ها از جمله بانک‌ها، دفترخانه‌ها، مشاوران املاک، بازار سرمایه در این امر عزم

داشته باشند، شاید در انجام این گونه معاملات عایدی داشته باشد اما باید توجه داشته باشند که با همان اندازه این پولشویی باعث افزایش تورم خواهد شد.

معامله با مهر محرمانه!

برای مقابله با پولشویی نیاز به شفافیت داریم از این رو هر گونه نقل و انتقالات را باید همه ببینند و چرا باید به هر معامله‌ای مهر محرمانه بزنیم؟ در این باره باید دید در برنامه هفتم درباره شفافیت چه احکامی داده شده؟ چرا باید ارائه تسهیلات مهر محرمانه داشته باشد و همین عامل باعث می‌شود که به یکباره عده‌ای سود بالایی می‌رسند و برای مثال عده‌ای به یکباره پس از سود از بازار سرمایه خارج می‌شوند اما اگر بازار سرمایه شفاف باشد این اتفاق نمی‌افتد. چروا وقتی درباره بورس تصمیمی گرفته می‌شود، این اطلاعات سه ماه بعد به مردم اعلام می‌شود که بسیاری از مردم هم دچار آسیب می‌شوند؟ از این رو، معتقدم کلید مبارزه با پولشویی شفافیت است.

برای مقابله با پولشویی نیاز به شفافیت داریم

چرا باید به هر معامله‌ای مهر محرمانه بزنیم؟!

نظارت هوشمند نه سنتی
دیگر نمی‌توان به طور سنتی بر روی عملکردها نظارت داشت و اگر نظارت هوشمند نباشد، امکان فساد زیاد است. روز گذشته حکمی را برای برنامه هفتم پیشنهاد دادم که براساس آن به سازمان بازرسی کل کشور این امکان داده شود که به سازمان و دستگاه‌های عمومی نظارت هوشمند داشته باشد اما نماینده دولت در کمیسیون تلفیق با این پیشنهاد مخالفت کرد و متأسفانه اعضای کمیسیون تلفیق هم موافق با نظارت هوشمند سازمان بازرسی نبودند، حال سوال این است که اگر وزارت اطلاعات و سازمان بازرسی کل کشور نامحرم است، چه کسی محرم است؟

چند هزار صندوق قرض الحسنه غیر مجاز!
طبق گفته رییس سازمان امور مالیاتی چند هزار صندوق قرض الحسنه غیر مجاز در حال فعالیت هستند که تنها ۷ صندوق چندین هزار میلیارد تومان گردش مالی دارند آیا در این شرایط پولشویی در تمام این صندوق‌ها رخ نمی‌دهند؟ باید خیریه‌ها و این موسسات مالی و اعتباری شفاف

باشند. اگر سازمان‌های نظارتی به این اطلاعات دسترسی نداشته باشد چطور می‌تواند معاملات مشکوک را شناسایی کند و از آن پیشگیری داشته باشد؟

وجه اجتماعی پولشویان!

اخیراً اقدام بسیار خوبی با تدبیر رهبری رخ داده این بود که باید تمام معاملات با سند رسمی باشد و مجلس هم این موضوع را تصویب کرد. امسال رهبری فرمودند که این یک مصلحت قطعی است که باید به معاملات با سند رسمی اعتبار داده شود. باید توجه داشت که عمده پولشویی در انتقالات اموال است که افراد می‌توانند با سند قولنامه‌ای نقل و انتقال انجام دهند. آنهایی که پولشویی می‌کنند از وجه اجتماعی برخوردارند و نیاز به این است که با این افراد برخورد قاطع شود. این افراد به گونه‌ای عمل می‌کنند که ردی از خود به جا نمی‌گذارند و دستگاه قضایی باید با این افراد به صورت قاطع برخورد کند و جزای نقدی و ضبط اموال باید انجام شود چرا که اینها به دنبال پول هستند و سخت‌ترین برخورد با آنها این است که اموال و پول آنها ضبط شود.

۱۰۷ هزار میلیارد ایرانی در تور مالیات

صفر کشاورز معاون اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در گفتگو با برنامه روی خط اقتصاد درباره اقتصاد گفت: به اسناد قانون مقررات با برپایی جلساتی که بین سازمان امور مالیاتی، دیوان محاسبات و سازمان ثبت احوال کشور برگزار می‌شود، خانه‌های بالای بیست میلیارد تومان شناسایی و پس از استعلام و تایید سازمان ثبت اسناد کشور، اسامی مالکین به سازمان امور مالیاتی برای ابلاغ میزان مالیات فرستاده می‌شود. کشاورز افزود: با توجه به اقدامات انجام شده ۱۰۷ هزار مالک منازل بالای بیست میلیارد شناسایی شدند که بعد از تایید و استعلام از سازمان ثبت اسناد کشور به سازمان مالیات معرفی خواهند شد. وی اظهار داشت: این روند برای شناسایی افراد و مالکین دیگر ادامه خواهد داشت که البته نحوه محاسبه و مالیات آن در اختیار سازمان مالیاتی کشور و نحوه استعلام آن از اسناد رسمی کشور و موقعیت ثبتی افراد در سازمان ثبت اسناد کشور خواهد بود. کشاورز ادامه داد: با توجه به اینکه بیش از ۹۰ درصد از املاک دارای اسناد دفترچه‌ای یا تک برگ هستند مشکلی در شناسایی و استعلام نیست و ۱۰ درصدی که دارای سند مالکیت نیستند هم در روند آتی اقداماتی برای ثبت سند و شناسایی املاک آنها صورت خواهد پذیرفت.

تسریع واگذاری زمین در روستاها

وزیر راه و شهرسازی در نشست شورای مرکزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بر تسریع واگذاری زمین در روستاها و تقویت نقش بنیاد مسکن در حوزه بافت فرسوده تاکید کرد. به گزارش ایلنا، مهرداد بذریاش وزیر راه و شهرسازی در نشست شورای مرکزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گفت: نظام فنی ساخت و ساز روستایی نیازمند تعریف سازوکار جدید در تعامل با نظام مهندسی است. بنابراین ضرورت دارد یک مبحث جدید در مقررات ملی و کنترل ساختمان برای این موضوع تدوین شود. بذریاش بیان داشت: برای تسریع ساخت و ساز، می‌بایست هماهنگی حداکثری بین ادارات کل استانی بنیاد مسکن و ادارات کل راه و شهرسازی صورت گیرد تا شاهد افزایش ساخت و ساز و تعامل موثر بین آنها باشیم. وی توضیح داد: در شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر جمعیت، تامین زمین و آماده‌سازی برای اجرای پروژه نهضت ملی به بنیاد مسکن واگذار شده است. همچنین وزارت راه و شهرسازی آمادگی دارد تا نقش بیشتری را به بنیاد مسکن برای اجرای پروژه نهضت ملی مسکن واگذار کند.

شناسایی ۲۶ هزار هکتار زمین جدید در سال گذشته

به گزارش ایلنا، ارسلان مالکی بایان اینکه محوره‌های اصلی برنامه‌های سازمان در سال ۱۴۰۱ مدیریت زمین، مدیریت ساخت و مدیریت منابع بوده، گفت: اولویت‌های سازمان در بحث مدیریت زمین به ترتیب، تامین زمین، صیانت از حقوق دولت در نگهداشت اراضی، فرآوری و مستعدسازی زمین و در نهایت واگذاری اراضی بوده است. معاون وزیر راه و شهرسازی از اجرای طرح نهضت ملی مسکن، مولدسازی، مشارکت و سرمایه‌گذاری، اتمام مسکن مهر و کمک به خدمات زیربنایی و رونمایی به عنوان محوره‌های اصلی عملکرد این سازمان در بحث مدیریت ساخت یاد کرد. مالکی با بیان اینکه براساس برنامه‌ها سازمان ملی زمین و مسکن موظف به تامین ۱۴ هزار و ۱۰۰ هکتار زمین به عنوان منابع جدید بوده است، تاکید کرد: خوشبختانه ما در سال ۱۴۰۱ حدود ۲۶ هزار هکتار زمین جدید شناسایی کردیم که این به معنای تحقق ۱۸۴ درصدی برنامه ما بوده است. وی در خصوص آمار اخذ اسناد اراضی ملی و موات داخل محدوده و حریم افزود: در سال ۱۴۰۱ برای بیش از ۴ هزار و ۲۰۰ هکتار زمین داخل محدوده و ۶۹ هزار و ۵۰۰ هکتار زمین در حریم شهرها سند اخذ شد که درصد دستیابی به برنامه در این دو بخش به ترتیب ۲۱۰ و ۲۷۷ درصد بود. معاون وزیر راه و شهرسازی عملکرد سازمان در حوزه صیانت از حقوق دولت و نگهداشت اراضی نیز اعلام کرد: در سال گذشته ۹۸ درصد تعرض‌های وارده به اراضی دولتی رفع فوری شده و برابری حدود ۲ درصد این تعرض‌ها در دستگاه‌های قضایی پرونده تشکیل شده است.



آیاتورم به سبک ژاپنی به چین می‌آید؟

تاکاتوشی ایتو | معاون سابق وزیر دارایی ژاپن

در حالی که مشکلات چین را می‌توان تا حدودی به دلیل خروج تاخیری این کشور از سیاست ضد کووید صفر دانست، کندی ضعیفتر سرمایه‌گذاری نقش مهمی ایفا کرده است. سرمایه‌گذاران خارجی در حال خروج از بازارهای سرمایه چین هستند و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سرعت در حال کاهش است. این تا حدودی نتیجه جدایی آمریکا و چین است. اما این همچنین واکنشی به قانون ضد جاسوسی چین است که بر اساس آن مشاغل خارجی به دلیل فعالیت‌هایی که در همه جای دنیا عادی هستند تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. برای مثال، طبق آن قانون بود که یک کارمند ژاپنی سازنده مواد مخدر Astellas در ماه مارس بازداشت شد (او هنوز آزاد نشده است). جای تعجب نیست که شرکت‌های خارجی جذب کارمندانی که مایل به کار در چین هستند به طور فزاینده‌ای دشوار است.

چین در حال حاضر کاهش شدید رشد را تجربه کرده است. در حالی که کاهش سرعت رشد سریع اقتصاد بازارهای نوظهور با افزایش درآمد سرانه کاملاً طبیعی است، مقیاس کاهش رشد چین در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ قابل توجه است. در سه ماهه دوم سال جاری، تولید ناخالص داخلی سه ماهه تنها ۰٫۸ درصد رشد کرد در حالی که در سه ماهه اول ۲٫۲ درصد بود. مطمئناً، رشد سه ماهه دوم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به ۶٫۳ درصد رسیده است و هدف رشد سالانه ۵ درصدی دولت ممکن است هنوز محقق شود. با این وجود، به نظر می‌رسد چشم انداز اقتصادی چین به سرعت در حال کاهش است. کاهش تورم - شاخص قیمت مصرف کننده در ماه گذشته نسبت به سال قبل ۰٫۳ درصد کاهش یافت - چشم انداز را بیشتر تیره می‌کند، زیرا به کاهش تورم احتمالی اشاره می‌کند.

اخبار اقتصادی اخیر از چین همان احساس ناتوانی و غرق شدنی را برانگیخته است که وقتی حباب دارایی ژاپن در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۲ فرو ریخت. آیا این حس دژاوا ادامه خواهد داشت و چین ظاهراً همان مسیر کاهش تورم و رکودی را که ژاپن سه دهه پیش در پیش گرفته بود در پیش خواهد گرفت؟ اینها حوادث به سختی مجزا هستند. بخش املاک و مستغلات چین - که مدت‌ها موتور پیشرو در رشد تولید ناخالص داخلی بوده است - تحت فشار کاهش قیمت‌ها، موجودی عظیم و رو به رشد مسکن و ساختمان‌های فروخته نشده و توسعه دهندگان بسیار بدهکار در حال خم شدن است. فروپاشی حباب ملک هر روز محتمل تر به نظر می‌رسد. پیامدهای رشد می‌تواند وخیم باشد. رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ژاپن به طور متوسط از اواسط دهه ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ به ۴-۵٪ رسید. پس از ترکیدن حباب دارایی، این نرخ به ۲-۰٪ کاهش یافت. تا به امروز، اقتصاد ژاپن پویایی قبل از حباب خود را بازپس نگرفته است.

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود پیشرو
صنعت مند پلاست در تاریخ ۱۴۰۲.۰۵.۲۴
به شماره ثبت ۶۱۶۸۷۵ به شناسه ملی
۱۴۰۱۲۴۸۶۳۳۴ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل
گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت
اطلاع عموم آگهی میگردد.

موضوع فعالیت: هرگونه اقدام به تولید، توزیع محصولات پلاستیکی و ظروف یکبار مصرف، خرید و فروش محصولات پلاستیکی و ظروف یکبار مصرف و مواد اولیه مربوط به محصولات پلاستیکی به هر شخص حقیقی یا حقوقی داخل یا خارج کشور، صادرات و واردات محصولات پلاستیکی و ظروف یکبار مصرف و مواد اولیه مربوطه پس از اخذ مجوز های لازم، شرکت در مزایده و مناقصه های دولتی و خصوصی داخل و خارج کشور، اخذ وام و تسهیلات از بانکها و موسسات مالی و اداری دولتی و خصوصی، شرکت در نمایشگاههای داخلی و بین المللی، اخذ شعبه و نمایندگی از اشخاص حقیقی یا حقوقی داخل و خارج کشور در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران، شهرستان شمیرانات، بخش مرکزی، شهر تجریش، باغ فردوس، میدان تجریش، خیابان شهید امیر ابراهیم دربندی، پلاک ۱۱۰، طبقه ۱ کدپستی ۱۹۶۱۸۳۸۴۱۳ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم الشرکه هر یک از شرکا خانم مریم ورودی شهریور به شماره ملی ۰۴۵۳۶۱۲۶۸۷ دارنده ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای رضا ورودی شهریور به شماره ملی ۱۴۶۲۴۵۵۰۶۲ دارنده ۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه اعضا هیئت مدیره خانم مریم ورودی شهریور به شماره ملی ۰۴۵۳۶۱۲۶۸۷ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود آقای رضا ورودی شهریور به شماره ملی ۱۴۶۲۴۵۵۰۶۲ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود دارندگان حق امضا: کلیه اسناد و مدرک تعهدآور و بهادار از جمله چک و سفته و برات و عقود و قراردادهای امضاء مدیر عامل به تنهایی همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری و مراسلات داخلی با امضاء مدیر عامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه روزنامه کثیرالانتشار افق اقتصاد جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۵۵-۱۳۸)

می‌تواند تأیید کند، کاهش جمعیت در سن کار فشارهای اجتماعی و مالی قدرتمندی را افزایش می‌دهد، حداقل هزینه‌های بازتوانی و کمبود کارگران در صنایع فشرده، از جمله مراقبت‌های پزشکی و طولانی مدت را افزایش می‌دهد. با توجه به دهه‌ها سیاست‌های کنترل باروری، چین با انتقال جمعیتی بسیار سریعتر از ژاپن مواجه خواهد شد. و در حالی که در سال‌های اخیر حمایت‌های امنیتی اجتماعی را گسترش داده است، برای مقابله با چالش جمعیتی پیش رو باید کارهای بیشتری انجام شود.

محلی با مشکل بدهی شدید مواجه خواهند شد و حتی ممکن است به طور بالقوه به سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی ضربه سختی وارد کند. برای کمک به کاهش خطرات، دولت مرکزی به دولت‌های محلی اجازه داده است تا اوراق قرضه خود را منتشر کنند، که درآمد حاصل از آن می‌تواند برای بازپرداخت بدهی‌های LGFV استفاده شود. اما، در حالی که این امر شفافیت ترازنامه را بهبود می‌بخشد، در نهایت فقط یک شکل از بدهی را جایگزین شکل دیگری می‌کند.

غیرجاری (NPL) در چین نتیجه شکست بانک‌ها در مدیریت ریسک است. بقیه وام‌هایی هستند که توسط دولت داده شده یا به شرکت‌های دولتی آسیب دیده (SOEs) داده شده است. بنابراین، هر گونه کمک مالی در نهایت فقط موردی است که دولت مسئولیت وام‌هایی را که هدایت کرده است به عهده می‌گیرد.

توزیع سرمایه پشتیبانی می‌شوند. همچنین باید به دولت‌های محلی اجازه داده شود که مالیات‌ها را افزایش دهند تا بتوانند درآمد‌های اضافه‌شده برای پرداخت بدهی‌های خود استفاده کنند. اگر چین نتواند به خطراتی که در اقتصادش انباشته شده است رسیدگی کند، دوره رکود و تورم به سبک ژاپن اجتناب ناپذیر خواهد شد. و این بار تمام جهان رنج خواهد برد. **پروژه syndicate**
*** تاکاتوشی ایتو، معاون سابق وزیر دارایی ژاپن، استاد دانشکده روابط بین‌الملل و عمومی در دانشگاه کلمبیا و استاد ارشد موسسه ملی تحصیلات تکمیلی مطالعات سیاست در توکیو است.**

دستکاری و مبهم کردن داده‌ها توسط مقامات چینی دلایل بیشتری برای بدبینی ارائه می‌دهد. اعلام اخیر چین مبنی بر اینکه دیگر آمار بیکاری جوانان را فاش نمی‌کند، نشان می‌دهد که سطح بیکاری در میان جوانان چینی واقعاً وخیم است. حتی با وجود داده‌های رسمی که نشان می‌دهد جمعیت چین در سال گذشته شروع به کاهش کرد، رشد بیکاری (و کم کاری) تنها می‌تواند به معنای یک چیز باشد: اقتصاد در کل به سرعت در حال ضعیف شدن است. کاهش جمعیتی چین دلیل خود نگرانی است. همانطور که ژاپن

دو عامل منحصر به فرد چین بر چگونگی بروز هر بحران اقتصادی تأثیر می‌گذارد. اولاً، آنجایی که سهم بزرگی از سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات از طریق به اصطلاح وسایل مالی دولت محلی انجام می‌شود، عملکرد این بخش تأثیر مستقیمی بر ترازنامه عمومی دارد. بدهی نگهداری شده توسط LGFVs در پایان سال گذشته به حدود ۵۷ تریلیون CN ¥ (۷٫۸ تریلیون دلار) - یا ۴۲٪ از تولید ناخالص داخلی - رسید. با توجه به این موضوع، اگر حباب دارایی منفجر شود، دولت‌های

دومین عامل منحصر به فرد چین این است که چهار بانک بزرگ آن دولتی هستند، بنابراین بانک مرکزی و دولت همیشه می‌توانند برای تأمین سرمایه مورد نیاز و جلوگیری از بحران بانکی وارد عمل شوند. تزریق سرمایه مکرر ممکن است به عنوان نشانه‌ای از خطر اخلاقی تلقی شود. اما تنها ۲۰ درصد از وام‌های

در صورت ترکیدن حباب دارایی، بانک‌ها و دولت چین باید از اشتباهاتی که ژاپن در سه دهه پیش مرتکب شد اجتناب کنند. برای شروع، افشای کامل و به موقع NPL ضروری است. بانک‌های چینی نباید تسلیم وسوسه «همیشه سبز» شوند و وام‌های جدیدی به وام‌گیرندگان «زامبی» و ورشکسته بدهند تا سالم به نظر برسند. و در جاهایی که نیاز به تزریق سرمایه است باید سریع تحویل داده شود. به همین ترتیب، دولت چین باید اقداماتی را برای جلوگیری از سبز شدن شرکت‌های دولتی و شرکت‌های املاک و مستغلات انجام دهد و اطمینان حاصل کند که بانک‌ها و LGFV‌ها بازسازی بدهی را دنبال می‌کنند و در صورت نیاز با

اشتیاق کشورهای آمریکای جنوبی به پهپادهای ایرانی

پهپادهای ایرانی؛ معادن لیتیوم بولیوی

در ۲۱ ژوئیه ۲۰۲۳، شبکه‌های میادین، در کانال تلگرامی خود مقاله‌ای منتشر کرد مبنی بر اینکه بولیوی دارای بزرگترین ذخیره لیتیوم در کره زمین است. این مقاله ادعا کرد که «به همراه آرژانتین و شیلی، بولیوی ۸۵ درصد از ذخایر لیتیوم جهان را در خود جای داده است» و تأکید کرد که این فلز در ساخت باتری برای تلفن‌های همراه و سایر دستگاه‌های قابل حمل و همچنین وسایل نقلیه الکتریکی ضروری است. لیتیوم همچنین یک فلز استراتژیک کلیدی با کاربردهایی برای توسعه تسلیحات هسته‌ای است، که این واقعیت توسط خبرگزاری لبنانی به دقت ذکر نشده است. این مقاله در عوض بر روی کاربردهای لیتیوم در گذار به یک «اقتصاد سبز» جهانی متمرکز شد. این مقاله یک روز پس از امضای توافقنامه‌ای منتشر شد که بولیوی با ایران برای دستیابی به پهپادهای ایرانی امضا کرده بود و اشاره کرد که در ازای آن، بولیوی ممکن است به ایران پیشنهاد دسترسی به لیتیوم خود را داده باشد. بولیوی در سال ۲۰۱۰ پس از انعقاد مجموعه‌ای از توافق‌های همکاری بین تهران و لاپاز، ایران را به «شریک» در استخراج و بهره‌برداری از لیتیوم خود تبدیل کرد. از آن زمان، «طلای سفید» بولیوی به طور برجسته در اخبار رسانه‌های وابسته به ایران در مورد این کشور آمریکای جنوبی برجسته شده است. فوربس - دیپلماسی ایرانی - memri



پهپادهای ایرانی باشد. «وی همچنین گفت که کشورهای آمریکای جنوبی نیز ممکن است خودشان هواپیماهای بدون سرنشین بسازند. راجرز خاطرنشان کرد که جنگ روسیه علیه اوکراین به این علاقه جهانی به انواع پهپادهای مختلف دامن زده است. او گفت: «جنگ ویرانی برای ایران و ترکیه (در میان دیگران) بوده و به جهان نشان می‌دهد که سلاح‌های آنها چه کار می‌توانند انجام دهند. در واقع، پهپادها برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی، نیروها در میدان جنگ و مراکز غیرنظامی استفاده شده‌اند.»

توسط کشورهای آفریقایی مشاهده شده است. به عنوان مثال، اتیوپی هواپیماهای بدون سرنشین را از چین، ایران و ترکیه خریداری کرد. اسرائیل همچنین از زمان توافق ابراهیم در سال ۲۰۲۰ به مراکش هواپیماهای بدون سرنشین فروخته است. راجرز یک تحلیلگر نظامی در این باره گفت: «پهپادهای ایرانی مانند شاهد در این دسته قرار می‌گیرند و ایران نشان داده است که کشورهای زیادی علاقه مند به خرید پهپادها هستند. بنابراین، جای تعجب نیست که بولیوی پس از ونزوئلا، اتیوپی، تاجیکستان و احتمالاً ارمنستان در ردیف بعدی برای دریافت

افق اقتصاد- ایران و اسرائیل پهپاد به کشورهای آمریکای جنوبی می‌فروشند یا دیگران به زودی می‌توانند وارد این رقابت شوند؟ ادموند نوویلو، وزیر دفاع بولیوی، علاقه کشورش را در پی درخواست اطلاعات در مورد این موضوع از سوی همسایه آرژانتین تأیید کرد. نوویلو گفت که بولیوی از هواپیماهای بدون سرنشین ایرانی برای نظارت بر مناطق مرزی خود و ارائه فیلم فوری به نیروهای مسلح خود می‌خواهد. آرژانتین نیز به پهپادهای تولید شده در خاورمیانه علاقه نشان داده است و در دسامبر ۲۰۲۲ قراردادی را برای (پهپادهای منفجره یک بار مصرف) که در اسرائیل ساخته شده بود، امضا کرد. اولین کشور آمریکای لاتین برای خرید این سری از پهپادها بود. ایران همچنین به شدت درگیر برنامه هواپیماهای بدون سرنشین ونزوئلاست و تحلیل‌ها حاکی از آن است که تولید پهپادها مشابه سری شاهد که توسط روسیه علیه اوکراین استفاده می‌شود، به آن کشور آمریکای جنوبی برون سپاری کرده است. در حالی که به نظر می‌رسد ایران و اسرائیل آماده صادرات هواپیماهای بدون سرنشین بیشتری به آمریکای جنوبی هستند، بازار وسایل نقلیه هوایی بدون سرنشین (پهپاد) در آن منطقه نسبتاً کوچک است. ترکیه در سال‌های اخیر بارها به دلیل صادرات پهپاد Bayraktar TB۲ خود به ۳۰ کشور جهان خبرساز شده است. با این وجود، هیچ‌یک از آن کشورها در آمریکای جنوبی نبودند. همچنین افزایش قابل توجهی در تعداد پهپادهای وارداتی



راهی جز گسترش مرزها وجود ندارد! روسیه پیش از هر چیز، خود را یک «قطب» در برابر غرب می‌داند نه شریک غرب. حتی دکترین جدید سیاست خارجی روسیه که پوتین منتشر کرد بر دو مسئله اساسی تصریح دارد: نخست آن که غرب «تهدیدی برای موجودیت روسیه» است و دوم این که مأموریت روسیه پایان دادن به نفوذ غرب در جهان و ساماندهی جهان پس از غرب است. این دکترین خود را بر هر کسی که جانشین پوتین شود تحمیل خواهد کرد. ایندیپندنت عربی - دیپلماسی ایرانی

دیگر زمان جنگ سرد نیست

توهم دل بستن غرب به دوره پس از پوتین

راهبردی بر روسیه در جنگ، کاری دشوار است. بخش دوم این معادله نیز به توهم نزدیک تر است چرا که بعد از پوتین تغییری ریشه‌ای در روسیه ایجاد نخواهد شد مگر این که روسیه متحمل شکست نظامی سختی شود. در میان نخبگان اطراف پوتین اعم از تکنوکرات‌ها و فرمانداران مناطق و ملی‌گرایانی که کنترل دستگاه‌های امنیتی را در اختیار دارند، هیچ‌کس شخص برجسته‌ای وجود ندارد که بتواند جانشین پوتین شود. گفته می‌شود پوتین به رغم آن که معاونان زیادی دارد، عملاً سه مشاور بیشتر ندارد که عبارتند از: ایوان مخوف، پتر کبیر و کاترین کبیر که همه آنها بر اساس این راهبرد عمل کردند که فقط زمانی می‌توان از امنیت روسیه مطمئن شد که ارتش روسیه کنترل هر دو طرف مرز را در اختیار داشته باشد و برای دفاع از مرزهای روسیه

نفوذی را که در زمان اتحاد شوروی داشت، باز پس بگیرد. آفریقا به عنوان قاره‌ی غارت شده، تنها طرفی نیست که از رقابت بین آمریکا و چین و روسیه و اروپا برای کسب نفوذ در این قاره سود می‌برد. کشورهای آسیایی نیز هم‌زمان، با آمریکا و چین و روسیه مراد دارند و حتی اروپا که در جنگ اوکراین در برابر روسیه و پشت سر آمریکا قرار گرفته است، روابط نزدیکی با چین دارد. عملاً فقط آمریکا و چین بر قله ایستاده‌اند و بقیه قدرت‌های بزرگ اطراف قله حلقه زده‌اند و دیگر کشورهای نیز در دامنه به سر می‌برند. آمریکا و اروپا نه تنها به دنبال «شکست دادن راهبردی» روسیه هستند بلکه به دوره پس از پوتین دل خوش کرده‌اند تا روابط بین روسیه و غرب به حال عادی بازگردد. اما عملی کردن بخش نخست این معادله یعنی پیروزی

افریقا خوری

برگزاری اجلاس سمران روسیه - آفریقا در سن پترزبورگ نشان داد روسیه بعد از جنگ اوکراین در انزوا نیست و رویدادهای پس از شورش شبه نظامیان و اکثر نشان داد ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه در داخل کشورش در موضع ضعف قرار ندارد. جهان کنونی دیگر مانند جهان در زمان جنگ سرد بین آمریکا و اتحاد شوروی نیست. اکنون آمریکا در موضع دفاع از نفوذ خود در جهان قرار دارد و چین در موضع تهاجمی با استفاده از «قدرت نرم» برای گسترش نفوذ خود به کشورهای متعدد در همه قاره‌ها به سر می‌برد. روسیه نیز از «قدرت سخت» یا همان نیروی نظامی در اوکراین پس از گرجستان و سوریه استفاده کرده است تا بخشی از



را پرداخت می‌کند. این اقدام مانع از اتخاذ موضع گیری درست در خصوص صحرای غربی از سوی این کشور می‌شود. چنین تظاهر کردنی به هوشمندی در کنار سیاست متزلزل این کشور به روسیه اجازه می‌دهد در راستای اثبات این مسئله تلاش کند که هنوز نقشی در آفریقا ایفا می‌کند. به نظر می‌رسد روسیه همچنان روی این نقش پافشاری دارد علی‌رغم این که در باتلاق اوکراین غرق شده است. آنچه در نیجر اتفاق افتاد فراتر از یک کودتاست و بازتاب شکست فرانسه از یک سو و پافشاری روسیه بر عدم پذیرش شکست در اوکراین و نتایج ناشی از آن از سوی دیگر است. العرب - دیپلماسی ایرانی

صريح در مورد آن چیزی است که در منطقه ساحل آفریقا اتفاق می‌افتد. منطقه‌ای که قرار بود زمین بازی مخصوص این کشور باشد. به عنوان مثال، فرانسه حتی یک لحظه هم در خصوص موضع الجزایر در مورد صحرای غربی و علل ادامه جنگ فرسایشی الجزایر علیه مراکش درنگ نکرد. فرانسه نقش الجزایر در راستای تثبیت بی‌ثباتی در سراسر ساحل آفریقا از طریق حمایت از جبهه پولیساریو را نایافته می‌گیرد. فرانسه در لبنان عقب نشینی کرد و چیزی وجود ندارد که روزی مانع از عقب نشینی این کشور از شمال آفریقا و منطقه ساحل (از موریتانیا تا جنوب سودان) شود. فرانسه در نیجر بهای سیاست تظاهر به هوشمندی خود

روسیه اصرار بر پیروزی دارد فرانسه در بن بست نیجر

اخبار الله خیر الله

عبدالرحمن تیجیانی، فرمانده گارد ریاست جمهوری که اعلام کرد قدرت را در دست گرفته است، چه سیاستی را دنبال خواهد کرد. ناظران اوضاع نیجر به بر این باورند که تیجیانی مردی مرموز است و بعید نیست که به طور کلی با غرب دشمن باشد. تمام آنچه می‌توان گفت این است که نیجر وارد مرحله نامعلومی شده بلکه می‌توان به وضعیتی که در نیامی پایتخت این کشور اتفاق افتاد به عنوان تلاش روسیه برای تأکید بر این مسئله اشاره کرد که ولادیمیر پوتین در جنگ اوکراین شکست نخورده است و او همچنان می‌تواند پاسخ دهد و غرب را در سراسر جهان از جمله آفریقا آذیت کند. تصادفی نیست که یوگنی پریگورین، رهبر گروه «واکتر» در پشت صحنه نشست سمران روسیه و آفریقا که در سن پترزبورگ در جریان حوادث نیجر برگزار شد، ظاهر شد و گفت: «مردم نیجر در حال جنگ‌هایی از استعمار هستند». مشکل سیاست فرانسه ناتوانی از اتخاذ موضعی روشن و

فرانسه پی در پی متحدان خود را در آفریقا از دست می‌دهد. قبل از نیجر یعنی جایی که تظاهر کنندگان در پایتخت پرچم‌های روسیه را برافراشتند، شعارهایی علیه سیاست فرانسه سر دادند و به سفارت فرانسه یورش بردند، پاریس در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ مالی و بورکینافاسو را از دست داد. بر کسی پوشیده نیست که فرانسه پس از تمام مسائلی که در مالی و بورکینافاسو در معرض آن قرار گرفت، به سمت نیجر عقب نشینی نظامی کرد. آنچه اکنون مشاهده می‌کنیم در واقع فقط شکست سیاسی است که ایمانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه هدایت آن را در دست دارد. شکستی که بالاتر از آن شکست دیگری نیست. نیجر زبان بزرگی برای فرانسه خواهد بود که در این کشور نیرو دارد. علاوه بر این، نیجر به عنوان پایگاه اطلاعاتی بسیار مهمی برای فرانسه است. مشخص نیست ژنرال

بازخوانی سرمایه‌گذاری کلان سعودی‌ها در ورزش و فوتبال از منظر «امکانات» و «ارتباطات»

سایه تحریم اقتصادی بر فقر ارتباطی ایران با جهان

این فقط «پول» نیست که پای رونالدو، نیمار و بنزما را به عربستان باز کرده!



کیارش آهنگر

در سال ۲۰۱۸ پس از چهار سال برگزاری مسابقات کشتی کج در عربستان، WWE با وزارت ورزش عربستان سعودی موافقت کرد تا ۱۰ سال «مشارکت استراتژیک» داشته باشد. به جای شب‌های معمولی، ریاض قرار بود یک رویداد سفارشی به نام «تاج جواهر» داشته باشد که نشان آن سبزمردی پرچم عربستان بود. طبق گزارش وب سایت WrestleNomics، برای هر نمایش ۵۰ میلیون دلار (۳۹ میلیون پوند) سود برد. قوانین عربستان سعودی کشتی گیران زن را از شرکت در اولین رویداد منع کرد و انتقاداتی را برانگیخت که توسط روسای کشتی رد شد. تریپل ایچ، مدیر اجرایی WWE، گفت: «شما نمی‌توانید به یک کشور یا یک مذهب دیکته کنید که چگونه با مسائل برخورد کنند.» کشتی گیران در ریاض به جامعه اطلاع‌رسانی کردند و در مورد پیشگیری از قلدری با کودکان مدرسه‌ای که فارغ التحصیلان آن وزیر ورزش عربستان بودند بحث کردند. در نهایت مسابقه بین کشتی گیران زن نیز برگزار شد البته با پوششی متفاوت‌تر از آنچه در آمریکا انجام می‌شود. WWE از این رویداد به عنوان یک نشانه پیشرفت در کشور استقبال کرد.

۲

شاید عده‌ای به سرمایه‌گذاری‌های اخیر سعودی‌ها در ورزش و بویژه فوتبال به اطلاق عنوان «ورزش شوینی» (چیزی شبیه به پولشویی) بسنده کنند. شاید برخی بیشتر خوششان بیاید تا صرفاً «پول نفت» را به رخ «عرب‌ها» بکشند و کاری به سایر ابعاد این ماجرا نداشته باشند. و شاید بعضی هم با یادآوری برخی محدودیت‌ها و عقب‌ماندگی‌های فرهنگی و سیاسی ترجیح دهند عربستان را فقط و تنها فقط با «خاشقچی» و حکمرانی طایفه‌ای به یاد آورند. در این یادداشت اما بیشتر می‌خواهیم به وجهی کاربردی از این طیف سرمایه‌گذاری‌ها اشاره کنیم که برای شرایط مسافران در ایران درس‌هایی به همراه دارد. می‌خواهیم از منظر توانمندی‌های حاصله از ارتباطات جهانی (فارغ از فضای تحریم) و نتایج آن بر ساز و کارهای اقتصادی بگوییم. می‌خواهیم اشاره کنیم که تحریم علاوه بر اثرات اقتصادی آثار اجتماعی و ارتباطی هم دارد که کمتر به آن پرداخته شده است. در بچه فوتبال فرصت خوبی است تا با موردکاوی این موضوع را پیش بکشیم. منتها پیش از آن بد نیست ابعادی از روال سرمایه‌گذاری‌های پادشاهی عربستان را در ورزش به نقل از گزارش مفصل روزنامه گاردین مرور کنیم.

۱

رومیان ۵۳ ساله است، در عربستان سعودی تحصیل کرده و نام خود را با کار در بخش بانکی این کشور مطرح کرده است. در سال ۲۰۱۵ او برای ملاقات با بن سلمان احضار شد، جایی که از او خواسته شد تا صندوق ثروت دولتی این کشور را که تقریباً ۶۰۰ میلیارد دلار دارایی تحت مدیریت دارد، اداره کند. رومیان در مصاحبه‌ای با بلومبرگ گفت: «من اصلاً او را نمی‌شناختم. فکر می‌کردم قرار است یک مصاحبه باشد، اما اینگونه بود: «این چیزی است که از شما می‌خواهم انجام دهید.»

۴

در همین حال، در کوه‌های شمال غرب، کار بر روی ساخت منطقه تروجن ادامه دارد. این مکان قرار است محل بازی‌های زمستانی آسیایی ۲۰۲۹ باشد. تروجن یکی از چهار منطقه‌ای است که پروژه‌های بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهد و ویژگی‌های برنامه‌ریزی شده آن شامل «دهکده تاشو» از اقامتگاه‌های لوکس و شبکه ۳۶ کیلومتری پیست‌های اسکی است. این دامنه‌ها قرار است بر روی کوهی به نام جبل اللوز ساخته شوند که آن را به‌طور متوسط خنک‌تر از سایر نقاط پادشاهی» توصیف می‌کند. با این حال، با حداقل میانگین دمای زمستان ۳ درجه سانتیگراد، تیمی از «تکنسین‌های برف‌ساز» استخدام شده‌اند تا یک رویا را به واقعیت تبدیل کنند. تروجن تا سال ۲۰۳۰ ۷۰۰۰۰ گردشگر را هدف قرار داده است.

۳

به نظر می‌رسد هر گوشه‌ای از کشور عربستان سعودی در حال حرکت به سمت ورزش است. حتی Neom که «چهره زندگی در این سیاره را تغییر خواهد داد» (اما تا حد زیادی هنوز ساخته نشده است)، ۴۰۰ میلیون دلار در بازاریابی برای سرمایه‌گذاری در مک لارن هزینه می‌کند. یکی از مدیرانی که به شرط نامش فاش نشد، می‌گوید: «این یک استراتژی ورزشی است که جامع‌تر و جزئی‌تر از هر استراتژی دیگری در جهان است. یک مدیا فقط هوی و هوس یک فرد ثروتمند نیست. برنامه‌ریزی شده است، یک رویکرد واقعی است به آنچه ورزش می‌تواند برای تغییر یک ملت در رابطه با سلامت، رفاه و مشارکت فعال انجام دهد. یک برنامه واقعاً دقیق است و بر اساس بهترین استراتژی‌های ورزشی در جهان و یک رویکرد بسیار هماهنگ است.»

۶

آرامکو، شرکت نفت دولتی است که درآمدی معادل ۵۳۵ میلیارد دلار (۴۲۱ میلیارد پوند) در سال ۲۰۲۲ گزارش کرد. سال گذشته آرامکو اعلام کرد که با شورای بین‌المللی کریکت همکاری می‌کند تا حامی عنوان هر رویداد ICC، از جمله جام جهانی کریکت در ماه اکتبر باشد. همچنین اسپانسر عنوان تور گلف زنان جدید است. این یکی از شرکای جهانی فرمول یک است، یک همکاری جزئی با انجمن بسکتبال چین انجام داده و بودجه ۱۰ میلیون دلاری مسابقات قهرمانی ورزش‌های الکترونیکی «بازی‌های بدون مرز» را تأمین می‌کند.

۵

برای مقایسه، کافی است رد ناتوانی در برقراری ارتباط استاندارد با جهان، ایجاد خسارت‌های متعدد مالی و اعتباری و گزیده شدن چندین و چند باره از یک نقطه را در پرونده‌های متعدد مالی دو تیم استقلال و پرسپولیس یا برخی بازیکنان خارجی را در سالهای اخیر نگاه کنید! اینجا یک زمین تمرینی اجاره‌ای به مربیان خارجی جزو اموال باشگاه معرفی می‌شود! روز دیگر مربی خارجی از ورود به محل تمرین منع می‌شود! یک روز دیگر چند مربی خارجی از نبود زمین چمن استاندارد در ورزشگاه‌های ایران گلایه می‌کنند چیزی که پایه و اساس این ورزش است! اینجا بیشتر این روحیه حاکم است که «با آمدن رونالدو و نیمار می‌توانیم آنها را از نزدیک ببینیم!» در حالی که آنها در عمل آنقدر اعتماد به نفس دارند که نیمار و رونالدو دیگران را در خدمت بگیرند و البته از حضورشان هم لذت ببرند و استفاده کنند. با این حساب امثال رونالدو و نیمار نه فقط چون ما پولش را ندارند بلکه چون امکانات و زیرساخت‌های ما در قواره‌ی آنها نیست و بنا به تجربه فاقد توانمندی در برقراری ارتباط استاندارد و مستمر (نه مقطعی) در این سطح هستیم. صحبت به رخ کشیدن نیست! نکته در بیان واقعیت هر چند ناخوشایند، در اذعان به ضعف‌ها و کاستی‌ها اتفاقاً برای حل‌شان است.

۸

میل به دیده شدن، در جهان بودن، به حساب آمدن، این‌ها از کشش‌های طبیعی درونی انسانها و جوامع است چرا که بنا به گفته‌ی انسان اساساً موجودی است ارتباطی. از یک زاویه‌ی شاید بتوان گفت که این فقط پول نیست که پای امثال رونالدو، بنزما، نیمار و بسیاری دیگر را به شبه‌جزیره عربستان بازی کند. درست است که پول در مذاکره مهم و تعیین‌کننده است و اعتماد از است اما همه چیز در آن خلاصه نمی‌شود. پیش از آن دانستن و به کار بستن القاب ارتباطات جهانی، رعایت اصولی بسیار ابتدایی در مواجهه با جهان ضروری است. اینها چیزهایی نیست که در خلأ یا صرفاً روی کاغذ قرار بگیرند بلکه لازم است در عمل محک زده شوند. قطع یا کم شدن ارتباط و مراوده با جهان یا ارتباط یواشکی برقرار کردن با جهان (به واسطه تحریم‌ها) تنها اثرات اقتصادی یا معیشتی ندارد. صحبت یادگیری و تمرین و انباشت تجربه‌ی ناشی از تعامل با جهان است که جز از مجرای «ارتباط» حاصل نمی‌شود. در کنار اینها وجود امکانات و زیرساخت‌های باکیفیت است که مجموعه‌ای از عوامل را برای بروز یک اتفاق منحصر بفرد شکل می‌دهد.

۷

باربی و چارچوب ذهن سالم



یافتن کاری هدفمندتر برای انجام دادن مهم نیست، بلکه چگونه می توانیم معنا و هدفی را از کاری که قبلاً انجام می دهیم استخراج کنیم. احساس هدفمندی بآبیهود زندگی واقعی در راه سلامت مرتبط است. این تحقیق شامل مقاله منتشر شده در سال ۲۰۲۰، به موارد زیر اشاره دارد:

- افزایش فعالیت بدنی
 - کاهش بروز سکنه مغزی
 - حوادث قلبی عروقی کمتر
 - کاهش خطر مرگ
 - استفاده کمتر از مراقبت های بهداشتی
 - سلامت مالی بهتر
 - برای کسانی که از ما که مانند باربی خط داستانی خاصی نداریم، درک چگونگی شروع ایجاد یا کشف هدف می تواند گیج کننده باشد. بنابراین، مهم نیست که شما مانند باربی، کن یا فقط یک انسان هستید؛ یک چیز مسلم است: اینجا در دنیای واقعی، درک هدف شما بیش از یک مفهوم دور از ذهن برای راه شما حیاتی است.
- ترجمه اختصاصی از: wisc.edu

تحقیقات نشان داده است که شبکه های خاصی در مغز ما می توانند برای تقویت آگاهی، ارتباط، بینش و هدف ما کار کنند. یکی از راه های ایجاد این قدرت از طریق مدیتیشن و سایر اشکال آموزش ذهنی است.

چرا هدف برای بهزیستی مهم است؟

به سفر باربی برگردیم، چرا برای همه باربی ها، کن ها و هر کس که در حد فاصله این دو شخصیت قرار می گیرد؛ مهم است که هدفمند باشند؟ درک اینکه چگونه تحقیق هدف را تعریف می کند، نقطه شروع است. تحقیقات این مرکز هدف را اینگونه تعریف می کند: "روشن بودن در مورد ارزش های اصلی و انگیزه عمیق تر و توانایی به کارگیری آنها در زندگی روزمره". ریچارد جی. دیویدسون، عصب شناس و مدیر مرکز انبیا نگذار مرکز اخیراً توضیح داد که هدف یافتن "شمال واقعی" خود در زندگی است. دیویدسون در قسمتی از یادگست دانشگاه هوای رادیو عمومی ویسکانسین در سال ۲۰۲۲ گفت: «به اصطلاح

افسردگی - به لطف باربی، فیلم لایواکشن جدید که رکوردهای باکس آفیس را در سطح جهانی به ثبت رسانده است، باربی ما را صرفاً به سمت «افکار صورتی» سوق نمی دهد بلکه واقعاً ما را به فکر فرو می برد.

این فیلم داستان عروسک کودکان محبوب - و گاهی بحث برانگیز - را روایت می کند که یک روز صبح در دنیای باربی با یک بحران وجودی ناگهانی از خواب بیدار می شود. یک روز شیر فاسد، صافی کف پا و موارد دیگر، باربی را در سفری حماسی از دنیای باربی به دنیای واقعی در جستجوی پاسخ قرار می دهد. سفر او ممکن است عمیقاً در بین مخاطبان فیلم طنین انداز باشد زیرا مانند بسیاری از مادر دنیای واقعی، باربی نمی تواند تا زمانی که هدف خود را کشف کند آرام بگیرد. اما او در حالی که از دست داده از کجا باید شروع کند؟

چارچوب ذهن سالم چیست؟

سفر باربی که در حبابی از سبک دلی و جلوه های بصری صورتی است، پرسش های جدی در مورد هدف، معنا و ارتباط را به خود می گیرد. اینها سوالاتی است که اساتید و دانشمندان در تحقیقات خود در مرکز ذهن های سالم در دانشگاه ویسکانسین - مدیسون به آن می پردازند. البته اگر باربی می توانست در مورد چارچوب ذهن سالم برای رفاه پیامد. چارچوب ذهن سالم که از تحقیقات در مرکز ایجاد شده و بر اساس دهه ها تحقیق ساخته شده است، به مادر دنیای واقعی کمک می کند تا بفهمیم چگونه به عنوان انسان شکوف شویم.

- برای داشتن یک زندگی سالم، علم به پرورش چهار رکن اصلی راه اشاره می کند:
- آگاهی
- ارتباط
- بینش، بصیرت، درون بینی
- هدف

سی ویژگی که کشوری را به سمت کره جنوبی شدن می برد

دکتر محمود سریع القلم



- ۱- ۹۰ درصد مردم آن راستگو باشند؛
- ۲- ۹۰ درصد مردم آن، یک شخصیت داشته باشند؛
- ۳- ۹۰ درصد مردم آن، شفافیت فکری و رفتاری داشته باشند؛
- ۴- ۹۰ درصد مردم آن، خوش قول باشند؛
- ۵- ۹۰ درصد مردم با کار فراوان و تخصص به موقعیت مناسب و ثروت رسیده اند؛
- ۶- ۹۰ درصد مردم آن یک جهان بینی دارند؛
- ۷- ۹۰ درصد مردم در رانندگی، صفوف، نظافت شهر و ادارات، رعایت یکدیگر را می کنند؛
- ۸- ۹۰ درصد مردم، مرتب کتاب می خوانند؛
- ۹- ۹۰ درصد مردم در کنار پول، به منزل چهارم و پنجم هرم آبراهام مزلو هم می اندیشند؛
- ۱۰- ۹۰ درصد مردم، به ارزیابی مرتب فکر و عملکرد خود اعتقاد داشته و عمل می کنند؛
- ۱۱- صد درصد مردم آن می دانند برای رشد باید رقابت کنند؛
- ۱۲- صد درصد مردم، فقط یک شغل دارند؛
- ۱۳- صد درصد مردم، برای اعتبار و منزلت جهانی کشورشان، اهمیت ویژه ای قائل هستند؛
- ۱۴- حکومتی که ساختارهایی بنا کند تا نتیجه آن، شهروندانی با ویژگی های فوق باشند؛
- ۱۵- تنها معیار ورود و رشد شهروندان در دستگاه دولتی، تخصص آنهاست؛
- ۱۶- حوزه حکمرانی، دایره مدیریت کشور را از مالکیت بر منابع تفکیک کرده است؛
- ۱۷- بنگاه های خصوصی نود درصد تولید کشور را در اختیار داشته باشند؛
- ۱۸- رسانه ها با اتکا به سند و مدرک در بررسی و نقد افرادی که سمت دارند آزادند؛
- ۱۹- دولت، بدون ابهام در خدمت تحقق نیازهای بخش خصوصی است؛
- ۲۰- رانت تقریباً تعطیل باشد؛
- ۲۱- دولت، تشکل سندیکاها و فعالیت جامعه مدنی را حق مردم می داند؛
- ۲۲- حداقل در چهار بخش اقتصاد بین الملل، مزیت نسبی داشته باشد؛
- ۲۳- قواعد نظم موجود جهانی را بپذیرد؛
- ۲۴- مردم آن می توانند ثروت تولید کنند تا دیگران بر آنها مسلط نشوند؛
- ۲۵- اصول سیاست خارجی آن در راستای الزامات رشد و توسعه اقتصادی باشد؛
- ۲۶- مدیران آن طولانی مدت در مدیریت نباشند؛
- ۲۷- ریشه استقلال سیاسی را در تولید ثروت بدانند؛
- ۲۸- با همه قدرت های بزرگ، درصدی از روابط را حفظ کند؛
- ۲۹- فرقی بین امنیت حاکمان و امنیت ملی وجود نداشته باشد؛
- ۳۰- عامه مردم حس مثبتی نسبت به کشور و آینده آن داشته باشند.



دیگه خیلی دیره!
محمنصرتی
این کمپین در ۲۰۰۷، سال توسط سازمان بهداشت جهانی، به مناسبت هفته ایمنی جاده سازمان ملل، با هدف آگاهی بخشی و فرهنگ سازی منتشر شده، و به مردم درباره رفتارهای پرخطری مانند، رانندگی در حالت مستی، سرعت زیاد و نداشتن کمربند ایمنی هشدار می دهد، با شعارهایی یکدست و هماهنگی:
■ دیگه برای بستن کمربند خیلی دیره!
■ دیگه برای نخوردن مشروبات الکلی خیلی دیره!
■ دیگه برای کم کردن سرعت، خیلی دیره!
کارتون: پاول کوزینسکی/ایران کارتون

قرن چاره جویی

زنده یاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

گمان می کنم هیچ راهی نباشد، جز آنکه قرن بیست و یکم، قرن چاره جویی باشد. قرن بیستم، «قرن معجزه های علمی» بود؛ در قرن بیست و یکم باید «فرهنگ» پای پیش نهد؛ فرهنگ چیز عجیب و غریبی نیست، تجمل نیست، شعر و گل و بلبل نیست، قدری علم زندگی کردن و تطابق با زمان است، باید انسان به کمک آن به یاد بیاورد که انسان است، نه آنکه با تئوداد نیمه ای علمی مغز خود، به جلورانده شود، و نیمه ای دیگرش را بی استفاده گذارد. می دانیم که کار بسیار مشکلی است. انسان عادت کرده است که بر موج رفاه طلبی سوار بماند (هر کس به نسبت خود) ولو به صخره بخورد. مشغله ای امروز به او مجال نمی دهد که به فردا بیندیشد، ولی چاره نیست. باید به خود هی بزند و از انتهای بن بست، گریزگاهی بیابد.

قرن بیست و یکم، قرن تصمیم، قرن دگرگون کننده هست، ولی قرن پشت کردن به «علم» نیست، زیرا برخلاف طبیعت می شود. علم خود نشانه ای انسان بودن انسان است. اگر او روزی کنجکاوی علمی خود را از دست بدهد، نشانه ای آن است که از زی انسانی خارج شده. ولی از سوی دیگر اگر علم مهار فرهنگی نشود، وصلتش با «نفس» شده است، یعنی همان عنصر مخرب که در آثار حکیمان گذشته آن همه نسبت به آن هشدار داده شده است. هیچ کس نمی تواند حدس بزند که قرن بیست و یکم چگونه روزگاری خواهد بود. آنچه مسلم است دنیا مانند هزاران سال گذشته روال آرام شتروار خود را طی نخواهد کرد. این خوش بینی هست که هوش انسان بار دیگر راه را بیابد و بر موانعی که در برابر است، فائق آید. ولی در مقابل، باید قدری از این هوش تسدید که مبادا زیاد مغرور شود، یا پای را از کلیم خود درازتر کند یا بخواد یگانه تاز باشد، و «خرد پیر» را که تاکنون با او شراکتی داشته، از معرکه به در کند.

به نظر می رسد که اگر جهان از هم اکنون نتواند برای چهار مسئله پاسخ قاطع بیابد، آینده نگران کننده خواهد بود:

۱. جمعیت، ۲. محیط زیست، ۳. توازن اجتماعی، ۴. حقوق انسانی.

از کتاب «ایران چه حرفی برای گفتن دارد» به اهتمام کانال سروسخنگو